

ناصر جان معصومی فرزند برومند حصار

میرزا ملااحمد

استاد ناصر جان معصومی زاده‌ی وادی زرنثار حصار بوده و از زمره‌ی آن ادیبان و دانشمندان انگشت شمار عصر ۲۰ است که در پیشرفت ساحه‌های گوناگون علم، ادبیات و فرهنگ تاجیک سهم شایسته‌ای گذاشته‌اند. خدمت ناصر جان معصومی، مخصوصاً، در رشد و تکامل ادبیات‌شناسی فوق العاده بزرگ است. چشم‌انداز ادبیات‌شناسی او خیلی وسیع بوده، دوره‌ها و مسأله‌های گوناگون ادبیات کلاسیک و معاصر تاجیک را در بر می‌گیرد.

ادبیات کلاسیک فارس و تاجیک همیشه در مد نظر استاد ناصر جان معصومی قرار داشته است. طوری که معلوم است، حافظ شیرازی از معروفترین شاعران فارسی‌زبان است، که در تاجیکستان نیز شهرت زیادی دارد. هر چند حافظ از پسندیده‌ترین شاعران مردم تاجیک به شمار رفته و میراث ادبی او در مکتب‌ها آموخته می‌شود، ولی، متأسفانه، تا امروز در ادبیات‌شناسی ما خیلی کم تحقیق شده است. در چند مقاله‌ی دانشمندان تاجیک امثال عبدالغنی میرزایف، خالق میرزازاده، اعلاخان افصح زاد، عبدالله یف، کمال عینی و دیگران در باره‌ی این شاعر بزرگ، اندیشه‌های گوناگون بیان گردیده و بر اثر مفکوره‌ی حکمران [ایدئولوژی، نظریه‌ی حاکم؛ مارکسیسم لنینیسم] آثار او گاهی از اوقات به‌طور صحیح ارزیابی نشده است.

یکی از دانشمندانی که در ارزیابی اشعار حافظ و اندیشه و عقاید او به افراط و تفریط راه نداده و بهای واقعی داده است، استاد ناصر جان معصومی می‌باشد. او در مقاله‌های خود «غزل‌سرای نامی شرق» و «گنجینه‌ی فکر و حس» از شهرت جهانی حافظ یاد کرده، سبب اساسی «در دل خلق تاجیک مأوی گرفتن حافظ شیرازی را پیش از همه

در معانی و مضامین بلند حیاتی و فلسفی شعرهایش» می‌داند.

ناصر جان معصومی در تحلیل اشعار شاعر سعی نموده است تا مهمترین خصوصیت‌های آثار این سخنور بزرگ را نشان دهد. او بر خلاف دانشمندانی که در همان سال‌ها از حافظ یک شاعر ملحد و بی‌دین تراشیده و اندیشه‌های او را بر خلاف دین توضیح می‌دادند، با قاطعیت تأکید می‌کند: «حافظ شخص بی‌دین نبود. در غزل و شعرهای او جا، جا اشاره‌ها و مضمون‌های دینی-عرفانی کم نیستند».

مؤلف در مقاله‌های خویش، اندیشه‌های اجتماعی، شکایت و اعتراض‌های شاعر را با مثال‌ها نشان داده، به ارزش‌های بلند بشردوستی آن‌ها اشاره می‌نماید. در آخر مقاله‌ی «غزل‌سرای نامی شرق»، ناصر جان معصومی از تاریخ نشر و آموزش اشعار حافظ یاد نموده، خدمت دانشمندان ایران را در چاپ و بررسی دیوان شاعر تأکید می‌سازد و کارهای در این زمینه انجام گرفته توسط محققان تاجیک و روس را هم یادآور می‌شود. نتیجه‌های به دست آورده‌ی ناصر جان معصومی سیمای حافظ را چون شاعر بشردوست، درست و واقعی پیش نظر می‌آرد: «چنانکه دیدیم حافظ هم‌چون استاد نظم یکی از بزرگترین و بانفوذترین ادیبان متفکر انسان‌پرور ادبیات کلاسیک فارس و تاجیک می‌باشد. بیان آن همه شوریده‌خاطری و اعتراض‌های اجتماعی، تلقین حیات بهر زندگی شایسته و ردّ خرافات فروشی جاهلانه، ترغیب دوستی و رفاقت و ترنم دلاویز عشق و زیبایی که در ایجادیات [آثار] او دیده می‌شود، مظاهر و تجلیات اومانسم حیاتبخش اوست».

ادبیات عصرهای ۱۶-۱۹ تاجیک هرچند از دوره‌های مهم تاریخ ادبیات محسوب می‌شود، ولی تا سال‌های چهارم عصر ۲۰ توجه دانشمندان را به خود جلب نکرده بود و مخصوصاً در شرق‌شناسی اروپا این دوره کاملاً نادیده گرفته می‌شد.

پس از کوشش و تلاش‌های پیگیرانه‌ی آکادمیسین عبد الغنی میرزایف تصورات نسبت به ادبیات دوره‌ی مذکور تدریجاً تغییر یافت. مخصوصاً بعد از انتشار مونوگرافی [تک‌نگاری تحقیقی] برجسته‌ی او تحت عنوان «بنایی» در سال ۱۹۵۷ توجه به ادبیات این دوره بیشتر گردید. استاد ناصر جان معصومی که آن سال‌ها در دانشگاه آموزگاری شهر دوشنبه به تدریس مشغول بود، در تعلیم و تدریس ادبیات عصرهای ۱۷-۱۹ دشواری زیادی احساس می‌کرد. بنا بر این تحقیق دوره‌ی مذکور را ادامه داده و کتاب «ادبیات تاجیک در عصر ۱۷ و نیمه‌ی اوّل عصر ۱۹» را در اوایل سال‌های ۶۰ تألیف نمود.

در این کتاب ناصر جان معصومی توجه را به دوره‌ای جلب نمود که تقریباً تحقیق

و آموخته نشده بود و تنها نام چند تن از ادیبان معروف در میان اهل علم و ادب معلوم و شناخته بود. این محقق باریک بین بر اساس منابع و سرچشمه‌های تاریخی و ادبی و بخصوص دیوان و مجموعه‌های آثار شاعران دوره‌ی مورد نظر که نسخه‌های خطی آن‌ها در کتابخانه‌های پترزبورگ، تاشکند و دوشنبه محفوظند، حیات ادبی آن دوره را مورد تحقیق قرار داده منظره‌ی عمومی و خصوصیت‌های مهم آن را معین نمود. مؤلف کتاب این نکته را به اثبات رساند که در عصر ۱۸ و نیمه‌ی اول عصر ۱۹ ادبیات تاجیک اساساً در بخارا، قوقند و خیوه رواج داشته است. او با دقت‌کاری خصوصیت‌های هر یکی از این دایره‌های ادبی را نشان داده، نمایندگان جداگانه‌ی آن‌ها را معرفی نمود. در پژوهش یاد شده برای اولین بار احوال و آثار یک زمره ادیبان این دوره امثال حاذق، حسین دانش، میرزا سراج حکیم، گلخنی، مخمور، معدن مورد بررسی نسبتاً مفصل تر قرار گرفته، به آثار آنها بهای واقعی داده شد. اثر مذکور در تحقیق ادبیات عصرهای ۱۶-۱۹ تاجیک یک مرحله‌ی تازه و اقدام جدی بود. ارزش این اثر باز در آن است که راه را برای آموزش ادبیات دوره‌ی مذکور باز نموده، زمینه را برای به وجود آمدن اثرهای مونوگرافی رسول هادی‌زاده، خالق میرزازاده، نعمت‌زاده، کریم‌اف و امیر قُلاف در سال‌های ۷۰-۸۰ فراهم ساخت.

نقیب‌خان طغرل از جمله‌ی آن شاعران توانایی است که سرنوشت تلخی نصیبشان گشته است. او نه تنها بی‌اساس و ناجوانمردانه به قتل رسیده، بلکه تا سال‌های ۶۰ عصر ۲۰ نام و آثار او نیز از نظرها دور مانده بود. اولین دانشمندی که پس از استاد صدر الدین عینی نسبت به احوال و آثار طغرل از خود توجه ظاهر نموده و پرده‌ی سیاه بدنامی را از روی او و آثارش برداشت، ناصر جان معصومی بود. او برای برقرار نمودن حقیقت تاریخ تلاش و کوشش‌های زیادی نموده، آثار شاعر را به چاپ رساند و خاطرات هم‌صفان و نزدیکان او را جمع‌آوری کرده و از این راه شرح حالش را مرتب ساخت. سپس او به تحلیل و بررسی آثار شاعر پرداخته، مضمون و مندرجه، سبک و اسلوب آن را مورد بررسی قرار داد و حسن و قبح آثار او را مشخص کرد.

ناصر جان معصومی پیش از همه به محیط ادبی طغرل که به آخر عصر ۱۹ و ابتدای عصر ۲۰ راست می‌آید نظر نموده، اختلاف‌های آن زمان و انکشاف [توسعه‌ی] مکتب بیدل را در آسیای میانه یادآور می‌شود که برای درک آثار شاعر مساعدت می‌کند. در این مقاله مضمون و مندرجه، چهره‌ها اساسی و خصوصیت‌های اسلوبی آثار طغرل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مخصوصاً، رابطه‌ی ادبی طغرل و بیدل همه جانبه

تحلیل و بررسی شده است. در مقاله‌ی مذکور ماهیت ایجادیات [آثار] طغرل به قول خود مؤلف «با آن همه تضادها و محدودیت‌ها و با همه‌ی محاسن و مقابح موجود در نظم شورانگیز وی» توصیف و تعریف شده است. این مقاله هرچند به عنوان سرسخن به مجموعه‌ی شعرهای طغرل نوشته شده است، ولی آن، هم از لحاظ مضمون و محتوا و هم از لحاظ وسعت و احاطه بر منابع و مأخذ و نیز از حیث تحلیل و بررسی و هم از جهت حجم به مثابه ی یک رساله‌ی مستقل می‌باشد و تا امروز یکی از بهترین تحقیقات راجع به طغرل محسوب می‌شود.

آثار طغرل هرچند پس از آن بارها با حروف سیریلیک و فارسی چاپ شده است، ولی بررسی متن و مقایسه‌ی آن‌ها نشان می‌دهد که متن آماده شده توسط استاد ناصر جان معصومی در حال حاضر از لحاظ کیفیت بهترین می‌باشد.

ناصر جان معصومی به آثار استاد صدر الدین عینی توجه و دلبستگی زیاد داشت. مخصوصاً، داستان «مرگ سودخور» دقت او را بیشتر جلب می‌کرد. او قبل از همه ارزش ادبی این اثر را تحقیق نموده، در آن آمیختگی و امتزاج سنت‌های بهترین ادبیات کلاسیک تاجیک و روس را در مقاله‌ی پرارزش «اثر برجسته‌ی رئالیسم سوسیالیستی» به اثبات رسانده و سپس به تحقیق زبان و اسلوب آن می‌پردازد.

آثار ابوالقاسم لاهوتی و میرزا تورسونزاده نیز همیشه دقت ناصر جان معصومی را به خود جلب می‌نمود. در مقاله‌های «استاد لاهوتی سراینده‌ی غایه [آرمان]‌های انقلابی»، «جوانی و کمالات مصور حسن و دل» و «داستان تبدلات حیات» خدمت‌های برجسته‌ی این دو ادیب برجسته‌ی عصر ۲۰ تاجیک نشان داده شده است.

مقاله‌های «محمدجان رحیمی» و «شاعر جنگ‌آور» تا به امروز از بهترین اثرهای تحقیقاتی راجع به محمدجان رحیمی و حبیب یوسفی؛ شاعران صاحب سبک عصر ۲۰ تاجیک می‌باشند.

ناصر جان معصومی در تحقیق ادبیات روس و آشنا ساختن خوانندگان تاجیک با نمایندگان برجسته‌ی آن، م. یو. لرمانتف، و. گ. بیلینسکی و م. گورکی نیز سهم بزرگ گذاشته است.

استاد ناصر جان معصومی نه تنها ادبیات غنی تاجیک و روس را خیلی خوب می‌دانست، بلکه از ادبیات معاصر فارسی‌زبان ایران و افغانستان و کشورهای گوناگون دنیا آگاهی داشت. مثلاً، او در مقاله‌ی «آیین‌های دوستی» ضمن تحلیل موضوع مورد نظر از شاعران زیاد ایران و افغانستان، آمریکا و ایتالیا، سوئد و انگلستان، روسیه و هلند، استرالیا و کشورهای دیگر شرق و غرب یاد می‌کند که این امر از چشم‌انداز گسترده و وسیع علمی و ادبی او شهادت می‌دهد.

ناصر جان معصومی از زمره ی آن دانشمندان انگشت شماری بود که مسأله‌های

زبان و ادبیات پیوسته مورد تحقیق او قرار داشت. البته، تحقیق عمیق مسأله‌های زبان ضرور است، ولی رابطه‌ی آن با جنبه‌های ادبی اثرها نباید از نظر محقق دور ماند. در همه‌ی اثرهای زبان‌شناسی ناصر جان معصومی اشاره‌ی به مسأله‌های ادبی و در اثرهای ادبیات‌شناسی او ذکر مسأله‌های زبان به نظر می‌رسد. مثلاً، ضمن بررسی مسأله‌های مربوط به رشد زبان ادبی معاصر تاجیک سخن گفته، از تاریخ تشکّل آن یاد می‌کند و «بنیان‌گذار معروف نظم کلاسیک تاجیک رودکی را مرّبی و سردفتر زبان ادبی تاجیک» می‌خواند.

در اکثر مقاله‌ها و اثرهای تحقیقاتی، ناصر جان معصومی ارتباط و پیوند نزدیک مسأله‌های زبان و ادبیات را مشاهده کردن ممکن است. در مقاله‌ی «زبان و مهارت ادبی» این ارتباط بسیار برجسته به چشم می‌خورد، زیرا مؤلف مسأله‌ی استفاده از ثروت زبان ادبی را تأکید نموده، نارسایی‌های زبان اشعار شاعران جوان تاجیک را با مثال‌های مشخص نشان داده است. این روش تحقیق باید برای زبان‌شناسان و ادبیات‌شناسان ما که متأسفانه، به جای نزدیک شدن تارفت [رفته رفته] از هم دور می‌شوند، سرمشق کار گردد.

در واقع پیوند روشهای تحقیق ادبیات‌شناسی و زبان‌شناسی و بررسی جامع اثر بدیعی به ناصر جان معصومی امکان داده است تا بنیاد اسلوب‌شناسی جدید را در فیلولوژی تاجیک بنا نهد.

سبک نگارش استاد ناصر جان معصومی در اثرهای علمی‌اش نیز خیلی جالب بوده، رنگین و فصیح و مؤثرند. او گاهی در اسلوب علمی هم از استفاده‌ی تشبیه و توصیف‌ها و تصویرهای شاعرانه خودداری نمی‌کند. مثلاً، او در یکی از مقاله‌های علمی خود می‌نویسد: «ادبیات آینه‌ی زندگی است. شاعران ما با کمک خوانندگان عادل و سختگیر خود کوشش می‌کنند تا این آینه همیشه مصفاً باشد، حیات را، ظاهر و باطن آدم را چنان که هست به نمایش گذارد و با جلا و صیقل خاص خود چنان بیاراید که باید باشد».

ناصر جان معصومی هم‌چنین در تألیف کتاب‌های درسی ادبیات تاجیک برای مکتب‌های عالی و میانه، برنامه‌ها و دستورهای متدی [روشمند] و تعلیمی و تربیت ادبیات‌شناسان سهم ارزنده گذاشته است. خدمت‌های شایسته‌ی استاد معصومی در تحقیق و بررسی ادبیات گذشته و امروزه نام او را در ردیف بهترین ادبیات‌شناسان تاجیک در عصر ۲۰ باقی خواهد گذاشت.